

بررسی رابطه بین محافظه کاری و مدیریت سود مبتنی بر اقدام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد جهانبخش^۱، دکتر سبحان ظفری^۲، دکتر محسن اژدر^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

۳. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

نام و نشانی نویسنده مسئول:

محمد جهانبخش

چکیده

یکی از اقدام حسابداری که در گزارشگری مالی تهیه و ارائه می شود، سود خالص است. محاسبه سود خالص یک بنگاه اقتصادی متأثر از روش ها و برآورد های حسابداری است. در نتیجه احتمال دست کاری سود توسط مدیریت وجود دارد. امکان استفاده از روش های گوناگون حسابداری موجب شده است که سود واقعی شرکت ها با سود گزارش شده در صورت های مالی تفاوت داشته باشد. مدیریت سود بدین معنی است که شرکت ها در گزارشگری مالی اطلاعات را بیش تر در جهت انعکاس مطلوب عملیاتی شرکت ها گزارش می کنند و این در حالی است با استفاده از محافظه کاری، شرکت ها در گزارشگری مالی، عمدتاً عملکرد مالیاتی شرکت را با مطلوبیت کمتری گزارش می کنند. از اینرو با توجه به مطالب گفته شده این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین محافظه کاری شرطی و غیر شرطی با مدیریت سود رابطه وجود دارد؟ جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۴ می باشد. روش انتخاب نمونه روش حذفی سیستماتیک بوده که در نهایت ۱۳۰ شرکت واجد شرایط برای مطالعه انتخاب شده است. روش های آماری مورد استفاده، روش داده های ترکیبی و آماره های مورد استفاده شامل آماره t؛ آماره F و ضریب تعیین و... می باشد. نتایج و یافته های پژوهش نشان می دهد که بین محافظه کاری شرطی و مدیریت سود رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و همچنین بین محافظه کاری غیر شرطی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی و معنی داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: محافظه کاری، مدیریت سود، بورس اوراق بهادار

مقدمه

سیل عظیم رسوایی های مالی اخیر در سطح جهان، از انرون و ورلدکام در آمریکا تا پارلامنت در اروپا، سبب شده است که انگشت اتهام به سمت گزارشگری مالی نشانه رود. صورت های مالی و در رأس آنها صورت سود و زیان (رقم سود خالص) در کانون توجه سرمایه گذاران قرار دارد. در سال های اخیر مبحث کیفیت سود گزارش شده مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است.

در مورد محافظه کاری دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. برخی از محققان، محافظه کاری را برای استفاده کنندگان و تحلیلگران صورت های مالی مفید میدانند و برای آن نقش اطلاعاتی قایلند. برخی از محققان، نه تنها برای آن نقش اطلاعاتی قایل نمیشوند، بلکه آن را به زیان تهیه کنندگان و استفاده کنندگان صورت های مالی قلمداد میکنند و معتقدند، محافظه کاری کیفیت اطلاعات را کاهش میدهد (کردستانی و امیریگی لنگرودی، ۱۳۸۷).

باسو^۱ (۱۹۹۷)، بیان می کند که بهترین نوع مقابله درآمدها و هزینه ها، تطابق درآمدهای جاری با هزینه های جاری است این در حالی است، که محافظه کاری به سبب شناسایی سریع تر زیان ها و کاهش ارزش دارایی ها موجب میشود، در عمل بخشی از هزینه های دوره های آتی با درآمدهای دوره جاری مقابله شوند.

محافظه کاری یکی از اصول قدیمی ارزشیابی اقلام حسابداری در شرایط عدم اطمینان محسوب میشود. در طول سال ها با وجود آنکه این اصل همواره مورد انتقاد قرار گرفته، اما ماندگار شده است و جالبتر در طول 31 سال گذشته میزان استفاده از آن در اندازه گیری و گزارشگری مالی افزایش یافته است. این حیات طولانی مدت ممکن است بیان گر منافع محافظه کاری باشد (بال و شیواکومار^۲، ۲۰۰۵).

شرکت های تولیدی به عنوان موتور اصلی رشد و ایجاد ثروت شناخته می شوند، به طوری که سهم تولید در تولید ناخالص ملی هر کشوری نقش با اهمیتی دارد. سهم تولید با افزایش رشد فروش و همچنین به طور خاص رشد سرمایه گذاری، افزایش می یابد، متغیرهای زیادی برای رشد سرمایه گذاری وجود دارد، از جمله متغیرها که می تواند منجر به رشد شود، بررسی اثرهای رقابت در بازار محصول است (پورتر^۳، ۱۹۹۰). استدلال های اصلی علم اقتصاد بر این مبنا استوار است که رقابت در بازار محصولات، یک مکانیزم عالی برای تخصیص بهینه منابع تشکیل داده و دارای اثرهای انضباطی بر رفتار مدیران و بی کفایتی آنان است (مارکاریان^۴، ۲۰۱۰). اهمیت اجرای طرح های سرمایه گذاری و انجام مخارج سرمایه ای در ادبیات حسابداری، مدیریت مالی و اقتصاد موضوعی شناخته شده است. با وجود اینکه برخی عقیده دارند که بیشینه سازی بازده سرمایه گذاری معادل حداکثر نمودن ارزش شرکت نیست، اغلب ادعا می شود که بسیاری از مدیران، بازده سرمایه گذاری را در انجام مخارج سرمایه ای مدنظر قرار می دهند (حصارزاده و همکاران، ۱۳۸۸).

در این فصل ابعاد مختلف پژوهش را به صورت کلی و مختصر ارائه می دهد تا مخاطب بتواند یک ذهنیت کلی در مورد پژوهش، اهمیت و ضرورت آن به دست آورد. یکی از مهم ترین بخش های این فصل به بیان مسأله پژوهش اختصاص دارد که به توصیف و توجیه موضوع پژوهش پرداخته و مسأله ای را که پژوهش به دنبال حل آن است، بیان می کند. سپس اهدافی که پژوهش در صدد دستیابی آن است مطرح می شود. در بخش های بعدی اهمیت موضوع و کاربردهایی نیز که نتایج پژوهش می تواند داشته باشد مطرح می شود. سپس به معرفی فرضیه ها، قلمرو مکانی، زمانی و موضوعی، روش و جامعه آماری پژوهش پرداخته می شود و در نهایت واژگان کلیدی پژوهش ارائه می شود.

¹-Basu

²-Ball and Shivakumar

³-Porter

⁴-Markarian

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

یکی از اقلام حسابداری که در گزارشگری مالی تهیه و ارائه می شود، سود خالص است. محاسبه سود خالص یک بنگاه اقتصادی متأثر از روش ها و برآورد های حسابداری است. در نتیجه احتمال دست کاری سود توسط مدیریت وجود دارد. امکان استفاده از روش های گوناگون حسابداری موجب شده است که سود واقعی شرکت ها با سود گزارش شده در صورت های مالی تفاوت داشته باشد. نتایج تحقیقات نشان می دهد که سطح بالای اقلام تعهدی موجب کاهش کیفیت سود می شود. بنابراین می توان ادعا کرد که اقلام تعهدی بیشتر به معنی کیفیت کمتر و پایداری کمتر سود است (نوروش و همکاران، ۱۳۸۵).

مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیریت قضاوت شخصی خود را در گزارشگری مالی و ساختار معاملات اعمال می نماید به گونه ای که گزارش های بدیل و جایگزینی را در رابطه با عملکرد شرکت جهت همراه کردن برخی ذینفعان ارایه می نماید. تعریف ارایه شده از مدیریت سود از دوجنبه اساسی برخوردار می باشد. نخست توانایی اعمال نظر شخصی مدیر مطرح شده است. این بدان معنی است که مدیریت در مورد انتخاب رویه ها و اصول برای گزارشگری از اختیار عمل برخوردار است. نکته دوم به همراه کردن برخی ذینفعان اشاره دارد و این زمانی اتفاق خواهد افتاد که مدیران در موقعیتی قرار می گیرند که به اطلاعاتی دسترسی پیدا می کنند که استفاده کنندگان از آن بی اطلاع می باشند (هیلی و والن^۱، ۱۹۹۸).

به طور کلی، مدیریت سود از دو طریق امکان پذیر است: مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری و مدیریت واقعی سود. در حالت اول مدیریت از طریق اقلام تعهدی اختیاری به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف خود می پردازد. اما در حالت دوم مدیریت با اتخاذ برخی از تصمیمات عملیاتی و به عبارت دیگر، دستکاری فعالیت های واقعی به مدیریت واقعی سود روی آورده و به سود مورد نظر خویش دست می یابد (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۹). اعمال مدیریت سود ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران است. مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی باعث ایجاد مشکل نمایندگی می شوند.

باید توجه داشت که عواملی زیادی در مدیریت سود موثر می باشند که عبارتند از: انگیزه های بازار سرمایه، انگیزه های قراردادی، انگیزه های سیاسی انگیزه های مالیاتی انگیزه های شخصی (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۲).

قابلیت انعطاف ذاتی استانداردهای حسابداری و مبنای تعهدی به مدیران اجازه میدهد که در گزارشگری مالی به منظور انتقال اطلاعات و به منظور انعکاس تشخیص و قضاوت خود را اعمال کنند. اعمال قضاوت توسط مدیران و اختیارات آنان در فرایند گزارشگری مالی، به مدیریت سود شهرت یافته است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۱).

مدیریت سود هنگامی رخ می دهد که مدیران فرایند گزارشگری مالی را به منظور ارائه یک تصویر مثبت به سهامداران دستکاری کنند (حاکو^۲، ۲۰۱۶). بنابراین جای تعجب ندارد که ذینفعان مختلف شرکت، مدیریت سود را نامطلوب می دانند و تلاش می کنند تا اختیارات و اعمال نظر مدیران را از طریق تشدید نظارت بر آنان کاهش دهند. در همین رابطه، سهامداران محافظه کاری را به عنوان یک ابزار نظارتی و حاکمیت شرکتی تلقی می کنند که مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی را محدود می سازد (گارسیا و همکاران^۳، ۲۰۱۲).

از طرف دیگر، محافظه کاری را که یکی از ویژگی های بارز گزارشگری مالی است، می توان به عنوان رویکردی برای مقابله با چالش نبود اطمینان در فرایند گزارشگری مالی دانست، که هر چند جایگاهی در اصول حسابداری ندارد، اما می تواند تاثیر بسزایی در ارزشیابی دارایی ها و تعیین سود خالص داشته باشد (بادآور نهندی و باغبانی، ۱۳۹۲).

¹ -Hili & vilen

² -Haque

³ -Garcia et al

محافظه کاری حسابداری به عنوان گرایش حسابداری به الزام درجه ی بالاتری از تأیید پذیری برای شناسایی اخبار خوب یا سود در مقایسه با میزان تأیید پذیری لازم برای شناسایی اخبار بد یا زیان تفسیر شده است (کاسکی و لوکس^۱، ۲۰۱۶).

محافظه کاری نتیجه الزامات نامتقارن برای شناسایی سودها و زیان های اقتصادی در صورتهای مالی شرکت است که منجر می شود حسابداران زیان های اقتصادی را نسبت به سود ها به موقع تر شناسایی و منعکس کنند (باسو^۲، ۱۹۹۷).

یکی از نقش های مهم محافظه کاری، محدود کردن رفتار گزارشگری مالی فرصت طلبانه ی مدیران و نیز خنثی کردن و از بین بردن سوگیری های اعمال شده در گزارش های مالی توسط افراد سودجو و منفعت طلب است (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲).

محافظه کاری در حسابداری از دو دیدگاه مطرح شده است: نخست، محافظه کاری شرطی یا به وقوع پیوسته (دیدگاه سود و زیانی محافظه کاری) که در دوره های پس از شناسایی اولیه هر دارایی و بدهی استفاده می شود. شکل دیگر محافظه کاری غیر شرطی یا پیش بینی شده (دیدگاه تراز نامه ای محافظه کاری) است (سلگی و همکاران، ۱۳۹۴).

محافظه کاری شرطی زمانی اتفاق می افتد که سیستم حسابداری اخبار اقتصادی منفی را به هنگام تر از اخبار اقتصادی مثبت شناسایی می کند. به عبارت دیگر، محافظه شرطی به رویداد های خبری (چه مثبت و چه منفی) وابسته است. (دیدار و همکاران، ۱۳۹۵)

این نوع محافظه کاری بیشتر برای جلوگیری از بزرگ نمایی سود توسط مدیران اتخاذ می شود و مانع بیشتر گزارش شدن سود ها در شرایط نامساعد خواهد شد. (شماخی و زاهدی، ۱۳۹۳)

کاهش محافظه کاری شرطی انگیزه ای برای مدیریت سود، و افزایش هزینه ها می باشد، چون محافظه کاری، با تحمیل الزامات اثبات پذیر دقیق تر برای به رسمیت شناختن اخبار خوب، فرصت های مدیریتی را برای زیاد نشان دادن سود، کاهش می دهد. در نتیجه محافظه کاری شرطی یا مشروط منجر به مدیریت سود پایین تر است. (گارسپا لارا و همکاران^۳، ۲۰۱۶)

محافظه کاری غیر شرطی یا پیش رویدادی منعکس کننده ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری خالص دارایی هاست و وابسته به رویدادهای خبری نمی باشد. (دیدار و همکاران، ۱۳۹۵).

محافظه کاری غیر شرطی یا نا مشروط عدم تقارن را کاهش می دهد (رایان و باور^۴، ۲۰۰۵)، عدم تقارن اطلاعاتی به بیانی ساده حاکی از آن است که همگان به طور یکسان به اطلاعات دسترسی ندارند و مدیریت بنا به موقعیت خود دارای اطلاعات بیشتری نسبت به دیگران است. عدم تقارن اطلاعات عامل اصلی در هدایت مدیران به سمت مدیریت سود است (احمد پور و همکاران، ۱۳۹۲). پس محافظه کاری غیر شرطی باعث کاهش مدیریت سود می شود.

هر دو نوع محافظه کاری (شرطی و غیرشرطی) اهداف یکسانی را دنبال می کنند، شامل استفاده از کاراییهای قراردادی، حداقل کردن هزینه های نمایندگی، حداقل کردن مالیات، یا هزینه های قانونی، و اینکه حسابداران و قانونگذاران را قادر میسازد که بی ثباتی اقتصادی را به حداقل رسانده و از انتقادات مصون بمانند. (زلقی و بیات، ۱۳۹۵)

با توجه به مطالب بالا محافظه کاری و مدیریت سود در حسابداری دارای کاربردهای متفاوتی برای گزارشگری مالی هستند. مدیریت سود بدین معنی است که شرکت ها در گزارشگری مالی اطلاعات را بیش تر در جهت انعکاس مطلوب عملیاتی شرکت ها گزارش می کنند و

¹- Kaski and Loux

²- Basu et al

³- García Lara et al

⁴- Beaver and Ryan

این در حالی است با استفاده از محافظه کاری، شرکت ها در گزارشگری مالی، عمدتاً عملکرد مالیاتی شرکت را با مطلوبیت کمتری گزارش می کنند. لذا به نظر می رسد که بررسی ارتباط بین این دو مولفه، گامی مفید در جهت تکمیل ادبیات مربوط به این دو موضوع در شرکت های ایرانی و محیط اقتصادی ایران باشد. به طور دقیق، این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که: آیا بین محافظه کاری شرطی با مدیریت سود رابطه وجود دارد؟ و آیا بین محافظه کاری غیر شرطی با مدیریت سود رابطه وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

تحقیقات انجام شده داخلی:

شیری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان ارزیابی مدیریت سود در سطوح مختلف محافظه کاری و سرمایه گذاران نهادی با استفاده از قانون بنفورد، طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ بیه این نتیجه دست یافتند که سطوح مختلف میزان محافظه کاری، تاثیری در مدیریت سود ندارد.

سپهری و جعفری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط مدیریت سود با محافظه کاری حسابداری و سرمایه گذاران نهادی بر روی تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ پرداختند و پس از تجزیه و تحلیل داده ها نشان دادند که بین محافظه کاری حسابداری و دستکاری سود همچنین سرمایه گذاری نهادی و دستکاری سود رابطه معنی داری وجود دارد.

سلگی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین مدیریت سود با محافظه کاری شرکت های بورس اوراق بهادار تهران در سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ پرداختند و دریافتند که رابطه مثبتی میان مدیریت سود و محافظه کاری وجود دارد.

جلیلی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری، مالکیت نهادی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ پرداختند. آنها نتیجه گرفتند که رابطه منفی و معناداری بین متغیرهای مستقل و مدیریت سود وجود دارد. یعنی هرچه میزان محافظه کاری حسابداری در روش ها و برآوردهای حسابداری بیشتر باشد مدیریت کمتر به دستکاری سود دست می زند.

شهبازی و مشایخی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه ی نسبت بدهی، اندازه و هزینه سرمایه شرکت با محافظه کاری مشروط و غیر شرطی طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ پرداختند و نتایج نشان می دهد بین محافظه کاری مشروط و غیر مشروط با نسبت بدهی رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد و بین محافظه کاری غیر مشروط و اندازه شرکت رابطه منفی معنادار وجود دارد و رابطه معناداری بین محافظه کاری مشروط و غیر مشروط با هزینه سرمایه وجود ندارد.

باد آور نهندی و باغبانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی محافظه کاری در گزارشگری مالی و رابطه آن با مدیریت سود طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ پرداختند و با استفاده از محافظه کاری شرطی و اقلام تعهدی اختیاری، نتیجه گرفتند که رابطه ای میان محافظه کاری حسابداری و مدیریت سود وجود ندارد.

انصاری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر محافظه کاری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ پرداختند. آنها یک رابطه منفی میان محافظه کاری و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، و یک رابطه مثبت میان محافظه کاری و مدیریت واقعی سود پیدا کردند و در کل یک رابطه منفی میان محافظه کاری و سطح کلی مدیریت سود پیدا کردند.

خدامی پور و مالکی نیا (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین میزان محافظه کاری شرطی و اخبار منفی آینده در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ به این نتیجه رسیدند که شرکت هایی که محافظه کاری شرطی بیش تری اعمال می کنند احتمال کاهش سود آینده آنها کم تر است. زیرا بیش تر اخبار بد را در دوره جاری شناسایی نموده و در نتیجه احتمال انتشار ناگهانی اخبار بد در مورد آنها کم تر است. هم چنین آنها به این نتیجه رسیدند که بین واکنش بازار به اخبار خوب و بد در مورد سود شرکت های با محافظه کاری شرطی اعمال شده توسط آنها رابطه خطی معناداری وجود ندارد.

هاشمی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان تأثیر محافظه کاری شرطی بر هزینه سرمایه سهام عادی به بررسی رابطه بین محافظه کاری شرطی و هزینه سرمایه سهام عادی طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ پرداختند و دریافتند که بین محافظه کاری شرطی و هزینه سرمایه سهام عادی، رابطه معکوس و معناداری هست. همچنین بین محافظه کاری شرطی و هزینه پرتفوی سهام عادی رابطه مثبتی وجود دارد.

تحقیقات انجام شده خارجی:

حاکو^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان مدیریت سود و نقش محافظه کاری حسابداری در شرکت ها به بررسی ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و مدیریت سود پرداخته اند، با استفاده از یک نمونه از ۳۱۷ شرکت های غیر مالی پاکستان و در قلمرو زمانی ۱۹۹۹-۲۰۱۳، نشان دادند که یک چهارم نمونه (۸۶ شرکت) بسیار محافظه کار است. ۷۶٪ (۶۵ شرکت) حداقل مدیریت سود را دارا می باشند. در حالی که ۲۴٪ (۲۱ شرکت) مدیریت در سود را متوسط نشان دادند. از سوی دیگر، در حداقل گروه محافظه کار، ۷۱٪ (۵۷ شرکت) مدیریت مدیریت سود بالا و ۲۹٪ (۲۳ شرکت) مدیریت سود را در سطح متوسط نشان دادند و همچنین نشان دادند که محافظه کاری حسابداری و مدیریت سود با هم رابطه منفی دارند.

عابد و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان سطح محافظه کاری در سیاست های حسابداری و بررسی اثر آن بر مدیریت سود برای یک نمونه ۲۵۹ شرکتی در اردن در طول دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ پرداختند. نتایج نشان داد که تفاوت در سطح محافظه کاری بین شرکت ها وجود دارد. علاوه بر این، نتایج این مطالعه نشان داد که محافظه کاری دارای ارتباط منفی با مدیریت سود می باشد.

لین و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان بررسی بین محافظه کاری حسابداری، سرمایه گذاران نهادی و دستکاری در سود طی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ پرداختند. نتایج کار آنها نیز نشان می دهد که شرکت هایی با گزارش محافظه کارانه مالی، احتمالاً کمتر درگیری فعالیت های سود هستند. آنها همچنین یک مشارکت و همکاری منفی را بین مدیریت سود سرمایه گذاران نهادی یافتند.

ایشیدا و ایتو^۴ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان تأثیر محافظه کاری حسابداری بر رفتار سرمایه گذاری شرکت ها طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ به بررسی تأثیر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی بر رفتار سرمایه گذاری شرکت پرداخته اند. نتایج و یافته های آنها نشان می دهد که شرکت های با محافظه کاری شرطی بالاتر، سرمایه گذاری کم تر از حد بیش تری دارند و از طرفی شرکت هایی که محافظه کاری غیر شرطی بالاتری دارند، سرمایه گذاری بیش تر از حد بیش تری دارند.

¹ -Haco

² -Abed et al

³ -Lin et al

⁴ -Giyoly et al

گارسیا و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر محافظه کاری بر مدیریت سود مبنی بر ارقام تعهدی و مدیریت واقعی سود با استفاده از داده های شرکتهای آمریکایی طی سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج آنها نشان داد که محافظه کاری بیشتر باعث کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و افزایش مدیریت واقعی سود می شود.

لنارد و یو^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان آیا مدیریت سود و کیفیت حسابرسی بر سرمایه گذاری بیش از حد شرکت های چینی تأثیر می گذارد؟ به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود بر تصمیم های سرمایه گذاری طی سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ پرداخته اند. آنها از ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخصی برای اندازه گیری مدیریت سود استفاده کرده و برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی از نوع حسابرسان استفاده کرده اند. آنها به این نتیجه رسیده اند که شرکت های با کیفیت حسابرسی بالاتر سرمایه گذاری بهینه بیش تری دارند و شرکت هایی که اقدام به مدیریت سود می کنند سرمایه گذاری بیش از حد آن ها نیز بیش تر است.

کالن سگال و هوپ^۲ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان ارزش حقوق صاحبان سهام و محافظه کاری حسابداری طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ به این نتیجه رسیدند که بین بازده های غیر عادی و سود حسابداری ارتباط غیر خطی همراه با تاخیر زمانی وجود دارد و این بدین معنی است که بازده های مثبت دیرتر در سود شناسایی می شوند و بازده های منفی به موقع تر. همچنین آنها شرکتها را از نظر شدت محافظه کاری رتبه بندی کردند و به صورت تجربی اثبات کردند که شرکت های با سطح محافظه کاری بالا دارای خصوصیات مشخصی از قبیل: اهرم بالا، فراریت بیشتر بازدهی، تعداد دوره های زیان ده بیشتر، ارقام تعهدی منفی بالا و نهایی فراریت بیشتر ارقام تعهدی هستند.

فرضیه های پژوهش:

فرضیه اول: بین محافظه کاری شرطی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین محافظه کاری غیر شرطی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

جامعه آماری و نمونه گیری

جامعه آماری: کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می باشد.

نمونه آماری و روش نمونه گیری: برای انتخاب نمونه آماری از روش حذف سامانمند استفاده شده است.

بدین منظور کلیه شرکت های جامعه آماری که دارای شرایط زیر باشند به عنوان نمونه این پژوهش انتخاب و بقیه حذف خواهند شد:

۱. از سال ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ در بورس تهران حضور داشته باشند.
۲. شرکت ها در قلمرو زمانی پژوهش، تغییر در سال مالی نداشته باشند.
۳. شرکت هایی که فعالیت آنها تولیدی باشند (شرکت های واسطه گری، مالی، لیزینگ، بانک ها و بیمه ها به دلیل ماهیت فعالیت حذف می شوند).
۴. سال مالی شرکت ها طی کل دوره قلمرو زمانی پژوهش به ۲۹ اسفند ختم شوند.
۵. اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش در دسترس باشد.

^۱-Lenard & Yu.

^۲- Jeffrey L. Callen , Dan Segal, Ole-Kristian Hope

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۱۳۰ شرکت نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند.

اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق

در این پژوهش از سه نوع متغیر وابسته، مستقل و متغیرهای کنترلی استفاده می‌شود که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

متغیر وابسته: متغیر وابسته در این پژوهش مدیریت سود می‌باشد.

مدیریت سود: برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) استفاده خواهد شد. مدیریت سود معادل اقلام تعهدی اختیاری شرکت می‌باشد و معادل پسماند رابطه رگرسیونی مقطعی (۱) به شرح زیر خواهد بود:

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = b_0 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + b_1 \left(\frac{\Delta REV - \Delta REC}{A_{t-1}} \right) + b_2 \left(\frac{TFA}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۱)

که در مدل فوق:

TA_{it} : اقلام تعهدی شرکت i در سال t .

A_{it} : ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت i در سال t .

ΔREV : تغییر در درآمد فروش شرکت i در سال t .

ΔREC : تغییر در حساب‌های دریافتنی و اسناد دریافتی تجاری شرکت i در سال t .

TFA : دارایی‌های ثابت مشهود شرکت i در سال t .

متغیر مستقل: در این تحقیق محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی به عنوان متغیر مستقل تحقیق در نظر گرفته شده است.

الف) محافظه‌کاری شرطی: جهت اندازه‌گیری میزان محافظه‌کاری شرطی (C-SCORE) در هر سال شرکت، با استفاده از مدل باسو (۱۹۹۷) به شرح رابطه (۲) محاسبه شده است:

$$X_{j,t} = \beta_{1,t} + \beta_{2,t} D_{j,t} + \beta_{3,t} R_{j,t} + \beta_{4,t} D_{j,t} R_{j,t} + \varepsilon_{j,t}$$

(۲)

در رابطه فوق:

$X_{j,t}$ = نشان دهنده سود خالص تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

$R_{j,t}$ = نشان دهنده بازده سهام شرکت در پایان سال مالی.

$D_{j,t}$ = متغیر مجازی است که اگر بازده سهام منفی باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.

$\beta_{3j,t}$ = معیار بهنگام بودن اخبار خوب.

$\beta_{4j,t}$ = معیار بهنگام بودن تفاضلی اخبار بد نسبت به اخبار خوب (محافظه کاری شرطی).

$\varepsilon_{j,t}$ = باقیمانده یا پسماند مدل.

ب) محافظه کاری غیر شرطی

برای اندازه گیری محافظه کاری غیر شرطی از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به شرح زیر استفاده می

شود (حاکو، ۲۰۱۶).

رابطه (۳)

$$MTB = \frac{MV}{BV}$$

که در آن:

MTB = نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری

MV = ارزش بازار حقوق صاحبان سهام

BV = ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

هرچه این نسبت بیشتر باشد نشان دهنده به کارگیری محافظه کاری غیر مشروط بیشتر است.

متغیرهای کنترلی

عملکرد بازده سرمایه (ROCit): سود عملیاتی تقسیم بر کل دارایی های آخر دوره.

اهرم مالی (LEVit): جمع کل بدهی های تقسیم بر کل دارایی های آخر دوره.

اندازه شرکت (SIZEit): لگاریتم طبیعی کل دارایی های آخر دوره.

طرح آزمون فرضیه ها:

با توجه به تعاریف بالا برای آزمون فرضیه های پژوهش به ترتیب از مدل های (۴)، (۵) استفاده خواهد شد.

$$EM = \alpha + \beta_1 C_SCORE + \beta_2 ROC + \beta_3 LEV + \beta_4 SIZE + \varepsilon \quad (4)$$

$$EM = \alpha + \beta_1 UC_SCORE + \beta_2 ROC + \beta_3 LEV + \beta_4 SIZE + \varepsilon \quad (5)$$

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تحلیل داده ها در بخش آمار توصیفی با محاسبه شاخص های مرکزی از جمله میانگین، میانه و شاخص های پراکندگی از جمله انحراف معیار، ضریب تغییرات، چولگی و کشیدگی چولگی شروع خواهد شد. برای بررسی نرمال بودن داده ها از آماره ی جاک-برا آزمون خواهد شد و به منظور شهود هندسی توزیع متغیرهای پژوهش از منحنی های توزیع چگالی کرنل استفاده خواهد

شد. برای بررسی عدم خود همبستگی جملات اخلاص از آزمون دوربین - واتسون استفاده می‌گردد. ضریب همبستگی پیرسن میان متغیرهای تحقیق نیز بررسی می‌شود. معنی داری آماری ضرایب متغیرهای مدل رگرسیونی با استفاده از آزمون t استیودنت، آزمون می‌گردد. افزون بر این، برای آزمون مانایی متغیرها، از آزمون لوین لین - چوی استفاده خواهد شد. در این پژوهش برای آزمون معناداری کلی مدل رگرسیون پردازش شده از آماره (F) مربوط به تحلیل واریانس الگوی رگرسیون در سطح ۹۵ درصد اطمینان استفاده می‌شود. در این پژوهش از روش رگرسیون خطی چند متغیره (GLS) به آزمون فرضیه‌ها پرداخته می‌شود. در روش رگرسیون، هدف اصلی این است که بررسی شود آیا متغیرهای مستقل تأثیر معنی داری بر متغیر وابسته دارند یا خیر. همچنین در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از داده‌های ترکیبی استفاده خواهد شد. در روش داده‌های ترکیبی برای انتخاب بین روش‌های پانل و پولینگ از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در صورت انتخاب روش پانل، آزمون هاسمن برای انتخاب از بین روش‌های تأثیرات ثابت و تأثیرات تصادفی انجام می‌شود.

یافته های پژوهش

در خصوص دستیابی به اهداف پژوهش، فرضیه های پژوهش طراحی و آزمون شد. نتایج آماری حاصل از آزمون این فرضیه ها در جدول های زیر ارائه شده است.

آمار توصیفی

به منظور تجزیه و تحلیل اولیه داده ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش برای استفاده در رگرسیون خطی در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای مدل

متغیر	پارامتر	CC_SCORE	EM	LEV	ROC	SIZE	UC_SCORE
میانگین		0.00	-0.05	0.64	0.15	5.99	1.10
میانه		0.05	0.03	0.62	0.12	5.91	1.10
بیشینه		6.68	1.10	1.07	0.68	8.01	38.61
کمینه		-5.32	-2.78	0.05	-0.35	4.18	-56.69
انحراف معیار		0.79	0.43	0.16	0.14	0.67	4.28
چولگی		1.17	-2.55	-0.05	0.78	0.66	-7.77
کشیدگی		31.18	15.13	3.86	4.36	3.40	136.44

آمار استنباطی

آزمون مانایی متغیرها

در این تحقیق برای بررسی مانایی متغیرها برای داده‌های ترکیبی، از آزمون لوین-چوی استفاده می‌شود. فرض صفر در این آزمون وجود ریشه واحد یا بطور معادل، عدم مانایی متغیرها می‌باشد که اگر مقدار p -value کمتر از ۰.۰۵ باشد فرض صفر رد می‌شود و متغیرها مانا هستند. با توجه به جدول (۲) مقدار p -value آزمون لوین-چوی برای همه متغیرها کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد (p -value ≤ 0.05)، در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و متغیرها ایستا (مانا) هستند.

جدول (۲): نتایج آزمون مانایی متغیرهای مدل

متغیر مقدار آماره	CC_SCORE	EM	LEV	ROC	SIZE	UC_SCORE
Levin, Lin & Chu	-۲.۱	-۱۶.۱	-۱۸.۷	-۱۳.۰	-۲۸.۶	-۲۲.۸
p -value	۰.۰۲	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰

آزمون F لیمر و هاسمن برای مدل فرضیه اول:

با توجه به اینکه داده‌های مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی (سال-شرکت) می‌باشند و داده‌های ترکیبی به دو صورت تابلویی و تلفیقی می‌باشد، لذا به منظور انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و تلفیقی در برآورد مدل، از آزمون F لیمر استفاده شده است. برای بررسی نتایج F لیمر، در صورتی که احتمال آماره F بیشتر از ۰/۰۵ باشد، باید از روش داده‌های تلفیقی استفاده کرد. در غیر این صورت از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. خلاصه نتایج آزمون F لیمر در جدول (۳) ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار p -value برابر ۰.۹۶ و بیشتر از ۰.۰۵ می‌باشد، در نتیجه روش داده‌های تلفیقی پذیرفته می‌شود. با توجه به اینکه روش داده‌های تلفیقی پذیرفته شد، آزمون هاسمن اجرا نمی‌شود.

جدول (۳): آزمون F لیمر

آزمون F لیمر			مدل
نتیجه	احتمال	آماره F لیمر	۱
تلفیقی	۰.۹۶	۰.۷۳	

آزمون فرضیه اول:

نتایج برازش مدل جهت آزمون فرضیه اول در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
C	-0.22	0.31	-0.70	0.48
CC_SCORE	1.95	0.24	7.97	0.00
ROC	0.25	0.22	1.17	0.24
LEV	0.22	0.10	2.29	0.02
SIZE	-0.01	0.05	-0.13	0.90
R-squared		۰.۱۲	آماره F	۱۵.۸
Adjusted R-squared		۰.۱۱	Prob(F-statistic)	۰.۰۰

با توجه به مقدار p-value به دست آمده برای آماره F که برابر با صفر می‌باشد ($p\text{-value} \leq 0.05$)، فرض H_0 رد می‌شود و این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به جدول ۴ و مقدار p-value آماره t برای متغیر محافظه کاری شرطی (CC_SCORE) که برابر صفر می‌باشد و کمتر از سطح خطای ۰.۰۵ است ($p\text{-value} \leq 0.05$)، فرض صفر (فرض عدم وجود رابطه بین محافظه کاری شرطی و مدیریت سود) رد می‌شود و در نتیجه بین محافظه کاری شرطی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد. در نتیجه فرضیه اول تحقیق پذیرفته می‌شود. همچنین با توجه به ضریب متغیر محافظه کاری شرطی که مثبت و برابر ۱.۹۵ می‌باشد، نتیجه می‌شود بین محافظه کاری شرطی و مدیریت سود رابطه مثبت وجود دارد.

مقدار R^2 تعدیل شده مدل برابر ۰.۱۱ می‌باشد، که نشان می‌دهد ۱۱ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می‌شود؛ به عبارت دیگر ۱۱ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل می‌باشد.

آزمون F لیمر و هاسمن برای مدل فرضیه دوم:

خلاصه نتایج آزمون F لیمر در جدول (۵) ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار p-value برابر صفر و کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد، در نتیجه روش داده های تابلویی پذیرفته می‌شود. در صورت پذیرفته شدن روش داده های تابلویی، سپس باید آزمون هاسمن را جهت انتخاب بین روش اثرات تصادفی یا ثابت بکار برد. در آزمون هاسمن، در صورتی که احتمال آماره کای دو بیشتر از ۰/۰۵ باشد، باید از روش اثرات تصادفی و در غیر این صورت از روش اثرات ثابت استفاده می‌شود. با توجه به مقدار p-value آزمون هاسمن در جدول (۵) برابر ۰.۲۲ و بیشتر از ۰.۰۵ است، در نتیجه روش اثرات تصادفی پذیرفته می‌شود.

جدول (۵): آزمون F لیمر و هاسمن

آزمون هاسمن			آزمون F لیمر			مدل
نتیجه	احتمال	آماره کای دو	نتیجه	احتمال	آماره F لیمر	۲
اثرات تصادفی	۰.۲۲	۵.۷	تابلویی	۰.۰۰	۲.۴	

آزمون فرضیه دوم:

نتایج برازش مدل جهت آزمون فرضیه دوم در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
C	0.42	0.18	2.29	0.02
UC_SCORE	-0.01	0.00	-2.24	0.03
ROC	0.06	0.09	0.72	0.47
LEV	0.02	0.01	1.63	0.10
SIZE	-0.08	0.03	-2.69	0.01
R-squared		۰.۳۴	آماره F	۲.۴
Adjusted R-squared		۰.۲۴	Prob(F-statistic)	۰.۰۰

با توجه به مقدار p-value به دست آمده برای آماره F که برابر با صفر می‌باشد ($p\text{-value} \leq 0.05$)، فرض H_0 رد می‌شود و این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به جدول ۶ و مقدار p-value آماره t برای متغیر محافظه کاری غیرشرطی (UC_SCORE) که برابر ۰.۰۳ می‌باشد و کمتر از سطح خطای ۰.۰۵ است ($p\text{-value} \leq 0.05$)، فرض صفر (فرض عدم وجود رابطه بین محافظه کاری غیرشرطی و مدیریت سود) رد می‌شود و در نتیجه بین محافظه کاری غیرشرطی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد. در نتیجه فرضیه دوم تحقیق پذیرفته می‌شود. همچنین با توجه به ضریب متغیر محافظه کاری غیرشرطی که منفی و برابر ۰.۰۱- می‌باشد، نتیجه می‌شود بین محافظه کاری غیرشرطی و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد.

مقدار R^2 تعدیل شده مدل برابر ۰.۲۴ می‌باشد، که نشان می‌دهد ۲۴ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می‌شود؛ به عبارت دیگر ۲۴ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول بین محافظه کاری شرطی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

براساس مبانی نظری تحقیق، انتظار می رفت که ارتباط مستقیم و معناداری بین دو متغیر مذکور وجود داشته باشد. محافظه کاری نتیجه الزامات نامتقارن برای شناسایی سودها و زیان های اقتصادی در صورت های مالی شرکت است که منجر می شود حسابداران زیان های اقتصادی را نسبت به سودها به موقع تر شناسایی و منعکس کنند (باسو^۱، ۱۹۹۷).

در محیطی که همواره عدم اطمینان و ابهام وجود دارد به کارگیری بیشتر قاعده محافظه کاری می تواند منجر به احتیاط در شناسایی و گزارش سود شود. به علاوه، عدم اطمینان شرکت می تواند جانبداری آگاهانه مدیر را در پردازش اطلاعات تشدید نماید. لذا، نوسانات سود را یکی از شاخص های عدم اطمینان محسوب می شود می تواند بک پیش بینی خوش بینانه سود توسط مدیر منجر گردد از این رو، انتظار می رود رابطه بین محافظه کاری و خطای پیش بینی سود تحت تاثیر نوسانات سود و عدم اطمینان شرکت قرار گیرد. از سوی دیگر، به اعتقاد پائیک و همکاران ارتباط محافظه کاری و نوسانات سود از آن جهت دارای اهمیت می باشد که به کارگیری رویه های حسابداری محافظه کارانه سبب می گردد، شناسایی زیان ها به سرعت و در دوره ی جاری صورت گیرد، ولی شناسایی سودهای احتمالی به تدریج و طی چند دوره انجام شود. آن ها نتیجه گرفتند سودهایی که محافظه کاری بیشتری دارند نسبت به سودهایی که محافظه کاری کمتری دارند، ناپایدارترند (نیکومرام و نهندي، ۱۳۸۸).

با توجه به مطالب بالا محافظه کاری و مدیریت سود در حسابداری دارای کاربردهای متفاوتی برای گزارشگری مالی هستند. مدیریت سود بدین معنی است که شرکت ها در گزارشگری مالی اطلاعات را بیش تر در جهت انعکاس مطلوب عملیاتی شرکت ها گزارش می کنند و این در حالی است با استفاده از محافظه کاری، شرکت ها در گزارشگری مالی، عمدتاً عملکرد مالیاتی شرکت را با مطلوبیت کمتری گزارش می کنند.

لذا می توان گفت فرضیه اول تایید شده است و نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات انجام شده توسط لین و همکاران (۲۰۱۴)، آیشیدا و ایتو (۲۰۱۳)، گارسیا و همکاران (۲۰۱۲)، سپهری و جعفری (۱۳۹۴) سلگی و همکاران (۱۳۹۴) و شهبازی و مشایخی (۱۳۹۳) در حوزه ارتباط بین محافظه کاری شرطی و مدیریت سود واقعی سازگار است.

یافته های بدست آمده از مقایسه فوق در خصوص تحقیق انجام شده شیری و همکاران (۱۳۹۵) و بادآور نهندي و باغبانی (۱۳۹۲) ناسازگار است.

بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نتایج نشان می دهد که بین محافظه کاری غیرشرطی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی و معنی داری وجود دارد.

با توجه به ابیات پژوهش و وجود ارتباط بین ویژگی های شرکت با مدیریت سود انتظار این میرفت که ارتباط معناداری وجود داشته باشد. محافظه کاری غیرشرطی یا نا مشروط عدم تقارن را کاهش می دهد (رایان و باور^۲، ۲۰۰۵)، عدم تقارن اطلاعاتی به بیانی ساده حاکی از آن است که همگان به طور یکسان به اطلاعات دسترسی ندارند و مدیریت بنا به موقعیت خود دارای اطلاعات بیشتری نسبت به دیگران است. عدم تقارن اطلاعات عامل اصلی در هدایت مدیران به سمت مدیریت سود است (احمد پور و همکاران، ۱۳۹۲). مطالعات پیشین نشان میدهد که محافظه کاری غیرشرطی می تواند سود واقعی را کاهش دهد، به عنوان مثال، بال و شیواکومار (۲۰۰۵) بحث می کنند که اگر مدیران بدانند که زیان پروژه های در حال انجام به طور ضعیف در طول دوره تصدی گری آن ها به دلیل حسابداری محافظه کاری شناسایی خواهد شد، انگیزه آن ها برای پروژه های با ارزش فعلی خالص منفی به طور گسترده ای کاهش خواهد یافت. در مقابل اگر مدیران بتوانند زیان حاصل از حسابداری فاقد محافظه کاری را انتقال دهند، آن ها انگیزه هایی برای پذیرش پروژه های با ارزش فعلی خالص منفی خواهند داشت.

^۱- Basu et al

^۲-Beaver and Ryan

مدیران اغلب به منظور همراه ساختن سهامداران نسبت به عملکرد اقتصادی واقعی شرکت سود را مدیریت می‌کنند. این مدیریت سود که از طریق دستکاری ارقام حسابداری یا فعالیت‌های واقعی انجام می‌شود دقت و صحت پیام‌رسانی سود را کاهش می‌دهد، ریسک و عدم اطمینان افراد برون‌سازمانی را افزایش می‌دهد و همچنین احتمالاً منجر به عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش کارایی سرمایه‌گذاری می‌گردد. از طرف دیگر استانداردهای حسابداری عموماً حاوی الزاماتی برای به کارگیری رویه‌های محافظه‌کارانه هستند. گنجاندن چنین الزاماتی در متن استانداردها، بیشتر از هر چیز ناشی از توجه به ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی است. محافظه‌کاری به عنوان یکی از میثاق‌های تعدیل‌کننده در حسابداری، سال‌هاست که مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که مدیران به عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی با وقوف کامل بر وضعیت مالی شرکت و با برخورداری از سطح آگاهی بیشتر نسبت به استفاده کنندگان صورت‌های مالی، سعی دارند تا تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه دهند و انگیزه تزریق سرمایه و منابع را از طریق افراد برون سازمانی، به واحد تجاری افزایش دهند. در چنین شرایطی است که محافظه‌کاری جهت خنثی نمودن خوش‌بینی مدیران در جهت حمایت از حقوق ذینفعان و ارائه منصفانه صورت‌های مالی به کار برده می‌شود.

لذا می‌توان گفت فرضیه دوم تایید شده است و نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات انجام شده توسط حاکو و همکاران (۲۰۱۶)، عابد و همکاران (۲۰۱۶)، شهبازی و مشایخی (۱۳۹۳)، انصاری و همکاران (۱۳۹۲) و مشایخی و همکاران (۱۳۸۸) سازگار است.

پیشنهادهای کاربردی

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند، توصیه‌های مهمی برای شرکت‌ها، دولت‌ها و فعالان بازار اوراق بهادار در بر داشته باشد. برخی از این پیشنهادها به شرح زیر می‌باشد.

- ۱- سازمان بورس اوراق بهادار می‌تواند با توجه به نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه اطلاعات جامع‌تری را در خصوص شرکت‌ها از نظر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی و مدیریت سود و الزام محافظه‌کاری در شرکت‌ها را منتشر نماید.
- ۲- مدیران به عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی با وقوف کامل بر وضعیت مالی شرکت و با برخورداری از سطح آگاهی بیشتر نسبت به استفاده کنندگان صورت‌های مالی، سعی دارند تا تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه دهند و انگیزه تزریق سرمایه و منابع را از طریق افراد برون‌سازمانی، به واحد تجاری افزایش دهند. در چنین شرایطی است که پیشنهاد می‌شود با به کارگیری محافظه‌کاری جهت خنثی نمودن خوش‌بینی مدیران در جهت حمایت از حقوق ذینفعان و ارائه منصفانه صورت‌های مالی به اطلاعات دقیق رسید.
- ۳- یافته‌های بدست آمده از فرضیه اول نشان می‌دهد که محافظه‌کاری شرطی باعث افزایش مدیریت سود می‌گردد. از این رو توصیه می‌گردد که استفاده کنندگان از صورت‌های مالی احتمال مدیریت سود با توجه به محافظه‌کاری را در تصمیم‌گیری‌هایشان لحاظ کنند.
- ۴- بر اساس یافته‌های بدست آمده از فرضیه دوم مبنی بر اینکه بین محافظه‌کاری غیرشرطی و مدیریت سود واقعی رابطه‌ی منفی و معنی‌داری وجود دارد. از این رو به حساب‌برسان توصیه می‌گردد در زمان رسیدگی اینگونه اقلام را مدنظر قرار داده و احتمال مدیریت سود و تاثیر آن از لحاظ با اهمیت بودن و احتمال تعدیل اظهار نظر خود را مورد ارزیابی قرار دهند.
- ۵- از آن جهت که افزایش مدیریت سود می‌تواند اثرات مهمی بر تصمیم سرمایه‌گذاران و کیفیت اقلام تعهدی داشته باشد، ارائه اطلاعات کامل و شفاف از سوی مدیریت در زمینه کیفیت اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی بسیار راه‌گشا خواهد بود و با توجه به این مساله که محافظه‌کاری به عنوان یکی از میثاق‌های تعدیل‌کننده در حسابداری، سال‌هاست که مورد استفاده قرار می‌گیرد میتوان دید بهتری برای مدیریت سود داشت.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

به منظور استفاده هرچه بیشتر از نتایج تحقیق و نیز کمک به روشن شدن رابطه بین محافظه کاری شرطی و غیر شرطی و مدیریت سود واقعی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در آینده می توان به موضوع های زیر توجه بیشتری نمود:

- ۱- مطالعه تاثیر نوع صنعت بر روی روابط بین محافظه کاری شرطی و غیر شرطی بر مدیریت سود شرکت ها.
- ۲- استفاده از سایر متغیرها برای ارزیابی رابطه بین ویژگی های شرکت بر مدیریت سود.
- ۳- همچنین پیشنهاد می شود که رابطه کیفیت اقلام تعهدی و ویژگی های شرکت را با متغیرهای بازار سرمایه بسنجند. و همچنین می توانند به بررسی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی، مانند: تورم، بهای نفت و نرخ ارز بر روی شناسایی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و ویژگی های شرکت بر مدیریت سود در شرکت های با وجود وابستگی و یا عدم وابستگی سیاسی بپردازند.
- ۴- با توجه به این که شرکت های با فعالیت واسطه گری مالی از نمونه تحقیق حذف شده بودند، پیشنهاد می گردد تحقیقی در رابطه با رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و محافظه کاری بر مدیریت سود این نوع شرکت ها انجام گرفته و نتایج آن با یافته های تحقیق حاضر مقایسه گردد.

منابع:

- احمدپور، احمد، عدیلی، مجتبی، ابراهیمیان، سید جواد (۱۳۹۲) بررسی رابطه میان عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال پنجم، شماره چهارم، شماره ۱۸
- اعتمادی، حسین، فرج زاده دهکردی، حسن (۱۳۹۱) تاثیر مدیریت سود و ساختار سرمایه بر محافظه کاری سود، مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- انصاری عبدالمهدی، دری سده مصطفی، شیرزاد علی (۱۳۹۲) بررسی تاثیر محافظه کاری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مدیریت، دوره ۶، شماره ۱۹
- بادآورنهندی، یونس، محمود زاده باغبانی، سعید (۱۳۹۲) بررسی محافظه کاری در گزارشگری مالی و رابطه آن با مدیریت سود، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۱۸
- جلیلی، الناز؛ هادی شایسته و ابراهیم وحیدی الیزی (۱۳۹۴) بررسی رابطه بین محافظه کاری
- حق بین، محمد امین، (۱۳۹۲)، تأثیر خطای مدیریت در پیش بینی سود بر محافظه کاری حسابداری با در نظر گرفتن کیفیت حاکمیت شرکتی، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد واحد مرودشت
- خدامی پور، احمد، مالکی نیا، رحیمه (۱۳۹۱) بررسی رابطه بین میزان محافظه کاری شرطی و اخبار منفی آینده در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، سال ۳، شماره ۱۰.
- دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا، حسن بابایی، مازیار (۱۳۹۵) بررسی تاثیر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی، مجله دانش حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۵.

- زلفی، حسن، بیات، مرتضی (۱۳۹۵) تاثیر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی بر ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک، دانش حسابرسی، سال ۱۶، شماره ۶۲
- سپهری، سارا و علی جعفری، ۱۳۹۴، بررسی ارتباط مدیریت سود با محافظه کاری حسابداری و سرمایه گذاران نهادی: مطالعه بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس ملی رویکردهای نوین در علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری، مازندران، موسسه علمی تحقیقاتی کومه علم آوران دانش.
- سلگی، فرشاده؛ محمود همت فر و محمدرضا معظمی گودرزی (۱۳۹۴) بررسی رابطه بین مدیریت سود با محافظه کاری، دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه، تهران، موسسه سفیران فرهنگی مبین.
- کردستانی، امیر بیگی لنگرودی، حبیب (۱۳۸۷) محافظه کاری در گزارش گری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه کاری، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۲.
- مشایخی، بیتا، شهبازی، مجید (۱۳۹۳) بررسی رابطه نسبت بدهی، اندازه و هزینه سرمایه شرکت با محافظه کاری مشروط و غیر مشروط، دانش حسابداری، سال ۵، شماره ۱۶.
- مشایخی، بیتا، محمد آبادی، مهدی، حصارزاده، رضا (۱۳۸۸) تاثیر محافظه کاری حسابداری بر پایداری و توزیع سود، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی شماره ۵۶.
- مشایخی، بیتا، مهرانی، ساسان، مهرانی، کاوه، کرمی، غلامرضا (۱۳۸۴) نقش اقلام تعهدی/اختیاری در مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۲.
- موسوی شیری، سید محمود، پیشوایی، فاطمه، خلعت بری، حسن (۱۳۹۵) ارزیابی مدیریت سود در سطوح مختلف محافظه کاری و سرمایه گذاران نهادی با استفاده از قانون بنفورد، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۳، شماره ۲.
- هاشمی، عباس، فرهمند، شکوفه، شامیرزایی جشقانی، ناصر (۱۳۹۰) تأثیر محافظه کاری شرطی بر هزینه سرمایه سهام عادی، دانش حسابداری، سال ۲، شماره ۷.

Abed, Suzan, Jomana Al-Badainah and Jamal Abu Serdaneh (2012), "The Level of Conservatism in Accounting Policies and Its Effect on Earnings Management", International Journal of Economics and Finance, Vol. 4(6), pp. 78-85

Balachandran, S. V. and P. S. Mohanram. (2011). Is the decline in the value relevance of accounting driven by increased conservatism?. Review of Accounting Studies, 16(2), 272- 302

Ball, R. (2009). Infrastructure Requirements for an Economically Efficient System of Public Financial Reporting and Disclosure, Brookings-Wharton papers on Financial Services. 127-182.

Basu, S., (1997). The conservatism principle and the asymmetric timelines of earnings. Journal of Accounting and Economics 24: 3-37, 1997

- Beaver, W.H. and S.G. Ryan. 2005. Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling. *Review of Accounting Studies* 10: 269-309
- Caskey, J., Laux, V. (2016) Corporate Governance, Accounting Conservatism, and Manipulation, *Management Science*
- Chen L. H., (2009). Income Smoothing, Information Uncertainty, Stock Returns, and Cost of Equity. Working Paper, ARIZONA
- García Lara, Juan M. and Garcia Osma, Beatriz and Penalva, Fernando 2016 , Conditional Conservatism and the Limits to Earnings Management. Available at SSRN:
- Garcia Lara, Juan Manuel, Beatriz Garcia Osma and Fernando Penalva (2012), "Accounting Conservatism and Firm Investment Efficiency", Working Paper, IESE Business School.
- Haque, J., Maghai, A., Zahid, Z. (2015) Earning Management and the Role of Accounting Conservatism at Firm Level, *International Journal of Economics and Finance*, Vol. 8, No. 2;
- Ishida, S. and Ito. (2013). The Effect of Accounting Conservatism on Corporate investment behavior. Working Paper/ Center for Japanese Business Studies : 175
- Lenard, M. , Yu, B. (2012). Do Earnings Management and Audit Quality Influence Over-Investment by Chinese Companies? *International Journal of Economics and Finance* 4 (2): 21-30.
- Lin, F., Wu, C.M., Fang, T.Y. & Wun, G.C. (2014). The relation among accounting conservatism, institutional investors and earnings manipulation. *Economic Modeling*, 37: 164-174
- Pae, Jinhan (2007), "Unexpected Accruals and Conditional Accounting Conservatism", *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 34 (5) & (6), pp. 681-704.
- Penman, S. H. and Zhang, X-J, (2002), " *Accounting conservatism and the quality of earnings and stock returns*", *The Accounting Review*, 77(April), pp. 237-264.
- Rayan, S. G. (2006)". Identifying Conditional Conservatism". *European Accounting Review*, 15, pp. 511-525.